

وحیدنیا

یادداشتهای سری وزارت امور خارجه

ازسلسله مطالب جالب وخواندنی هر کشور که میتواند روشنگر تاریخ و روحیات رجال يك مملت و طرز تفكر آنها باشد. یادداشتهای و سفرنامههایی است که ازبزرگان نامدار و رجال کشورمدار پیادگار مانده است. این یادداشتهای رامیتوان بهدودسته تقسیم کرد :

دسته اول عبارت از مکتوبات رسمی است که بامراجع داخلی و خارجی مبادله شده و بصورت نامه، گزارش، تلگرام رمز و غیره باقی مانده است.

دسته دوم شامل یادداشتهای خصوصی و شرح مسافرتها و ملاقاتها است که غالباً بصورت سفرنامه پیادگار مانده و بسیار جالب و خواندنی میباشد.

یادداشتهای و گزارشهای رسمی پس از گذشتن چندسال از تاریخ تحریر آن غالباً توسط دولتها بصورت کتاب نشر می یابد و در دسترس پژوهندگان قرار میگيرد لیکن سفرنامهها وسیله خود نویسندگان یا علاقمندان باین گونه آثار چاپ میشود.

در کشور ما سفرنامههایی که توسط رجال علم و ادب و مردان کار و سیاست نوشته شده و ارزش انتشار داشته و در دسترس بوده غالباً به چاپ رسیده است لیکن هنوز بصورت رسمی یادداشتهای سری و یا مکتوبات رسمی دولت و مخصوصاً وزارت خارجه ایران با کشورهای بیگانه و یا گزارشهای سفرای ما با دستگاههای دولتی خودمان یا خارجه چاپ نشده است. در صورتیکه چاپ و انتشار اینگونه اسناد کمک شایانی به روشن شدن زوایای تاریخ ایران کهن میکند و امید است روزی باین کار پرداخته شود. اکنون ما برای آنکه در اینراه قدمی برداریم و آزمایشی از لحاظ آمادگی اذهان کرده باشیم بتدریج در این صفحات مطالبی از اینگونه می آوریم و امیدواریم مطلوب طباع خوانندگان ارجمنند قرار گیرد.

اولین سندی که در این شماره چاپ می کنیم گزارش وزیر امور خارجه ایران

به ناصرالدین شاه است. در این گزارش سؤال و جوابهایی که با مستر طامسن وزیر مختار دولت انگلیس شده است عیناً منعکس گردیده و در حاشیه آن نیز ناصرالدین شاه شخصاً دستوراتی صادر کرده و گزارش آنرا برای اقدام و اجرا به فرزند خود ظل السلطان حاکم اصفهان و توابع فرستاده است و اینک آن گزارش بسیار مهم و خواندنی .

روز یکشنبه ۲۶ شهر رمضان المبارک وزیر مختار دولت انگلیس بملاقات خان‌زاد آمد دستخط مبارک و تفراف ناظم الدوله نمره ۳۰ را برای او خواندم و فرمایشات همایونی را مفصلاً با او مذاکره نموده گفت نمیدانم در جواب این تفصیلاتی که می‌گویید من چه و اولیای دولت انگلیس چه جواب بگویند؟ حالا ما از آنچه پیش آمد شده در ابتدای داخل کردن روس باین سمت هیچ نگویم اما سه سال است که من در هر موقع و مقام مکرر اصرار کردم که شما کار خودتان را در اتک محکم کنید که ما بتوانیم در مقابل رفتار روس‌ها ایستادگی کنیم؛ حتی من خودم با میرزا سعید خان مرحوم شرفیاب خاکبای مبارک شده عرض کردم شما حدود اتک را محکم کنید اسبابی که برای امنیت آنجاها لازم است از هر قبیل فراهم بیاورید اگر پول هم ندارید هر قدر لازم است ما می‌دهیم طوری باشد که ما بتوانیم جواب روس را بگوئیم هر وقت ما در باب تجاوز روس‌ها باین سمت‌ها ایراد کردیم جواب دادند شما که دولت انگلیس هستید بقدری از آن صفحات دور هستید که نمی‌توانید بما اطمینان بدهید. که ترکمان‌های اتک و غیره باعث و سبب امنیت حدود ما نشوند. دولت ایران قادر بر آن نیست که بما اطمینان بدهد ما مجبوریم برای حفظ امنیت آن حدود هر اقدامی که لازم است بکنیم (این بیان مستر طامسن بعینه همان بود که در بلوبوک «کتاب آبی» نوشته) اولیای دولت ایران بحرف ما گوش نداد و قبول نکرد استحکامات لازمه بعمل نیاورد که ماحرف حسابی داشته‌می‌توانیم جداً گفتگو نمائیم. در این صورت ما چه می‌توانستیم بگوئیم و من تعجب می‌کردم که این حرف‌های من هیچ اثر نمی‌کرد. من نمی‌گفتم که بخلاف عهدنامه و دوستی روس کاری بکنید بلکه حرف من خیلی سهل و بیغرضانه بود می‌گفتم در خانه خود را محکم کنید پواش را ما می‌دهیم قبول نکردید در خانه خود را باز کرده سهل است.

بدون اینکه ملتفت باشید با آنها همراهی کردید؛ حالا که داخل خانه شما می‌شوند بما می‌گویند چرا منع نمی‌کنید خانه از شما است او را بخانه خود دعوت کرده داخل می‌کنید ما چه میتوانیم بکنیم.

من مکرر به میرزا سعیدخان مرحوم گفتم اگر شما قرار مخفی در باب اتک دارید بما بگوئید مخفی داشتن از ما برای شما ضرر دارد و مصلحت شما نیست اگر شما بخواهید مملکت خود را بروس بدهید ما چه می‌توانستیم بگوئیم اما اگر بگوئید اقل فائده آن دو چیز است اولاد دولت انگلیس از شما بد گمان نمی‌شود و از دوستی شما ما یوس نخواهد شد دوم آنکه ما میتوانستیم در همان باب منباب خیر خواهی بشما راهنمایی نموده (کولتی) بدهیم که ضرر شما و ما کمتر بشود. میرزا سعیدخان مرحوم جواب میداد که هرگز همچو خبری نیست و حال آنکه درهم این مدت آنچه را روی راپرتهای ما مورین ما و اطلاعات و قرائن استنباط می‌کردم همه بخلاف گفته آن مرحوم بود اگر این حرف او درست بود این قرارداد آنها یعنی چه در حقیقت قرار قرار زمین است آنچه در روزنامه روس‌ها می‌نویسند یعنی چه آمدن روس باتک و از طرف شما هیچ نگفتن چیست اگر قراری داده اید چرا از ما پنهان میکنید که آیا دولت انگلیس فکر نمی‌کند که دولت ایران در باب قلعه کوشید یعنی برجی کهنه اینهمه گفتگو می‌کند چرا در بیرون اتک که چندین خودتان تصور کنید شهر و بلوکات داشته مثل بیوردو چه چه و مهنه و غیره هیچ نمیگوید و در باب برجی در صحرای بی‌آب که يك گوشه اتک نمی‌شود اینهمه گفتگو و اهتمام میکند پس معلوم است اتک را پنهان از ما خودتان وا گذاشته اید در این صورت نمیدانم چه بحثی بدولت انگلیس دارید یا چه توقعی باید داشته باشید حال هم من که دولت ایران هستم میگویم هر کاری میکنید آشکار بکنید کار دولت پنهانی دوستی بر نمیدارد کار شخصی غیر کار دولتی است.

اما در باب انظرکریطه دولت ایران، شما باید بدانید که دولت انگلیس از چندین سال پیش از این الی حال مقصودش و پلنیکش استقرار دولت ایران بوده و هست و در این باب با دولت روس قرار داده اگر خودتان خللی

برسانید ما چه می‌توانیم کرد از احمال و غفلت ما خللی از این بابت نرسیده در حقیقت آمدن روس به سرخس نهایت آنست که شما در باب اتک با آنها هیچ نگفتید بما اظهاری نکردید و قبول کردید که بکار ترکمانان آنطرف مداخله نکنید سبب و وسیله بآن‌ها دادید و من شخصاً از شما سؤال میکنم اگر شما دولت انگلیس را دوست و خیر خواه خود می‌دانید چرا کارهای خودتان را با روس‌ها از ما پنهان میدارید که از اول قرار حدود روداترک تا امروز بما هیچ نگفتید و اظهار نکردید ما هیچ نمی‌دانیم صاحب اختیار برای چه راز بآن سمت میرود اگر ما را دوست و خیر خواه خود نمی‌دانید این گفتگوها چیست و چه فایده دارد . گفتیم هرگز باور نمی‌توانم کرد میرزا سمیدخان مرحوم بخلاف حرفی گفته باشد و یا تصور کرده باشید که دولت انگلیس خیر خواه دولت ابدآیت نیست کلیه حرف شما اینست که چرا ما در باب اتک ایستادگی نکردیم مگر فراموش فرموده‌اید که در ابتدا که دولت روس بی‌خیال آمد و اولیای دولت علیه بخیال اینکه مبدا آن دولت بیعضی بهانه‌ها تجاوز کرده و تعدی بکند دولت انگلیس چه خواهد کرد و در اینباب میرزا سمیدخان مرحوم با شما مفصلاً مذاکره کرده جوابی که شما باو دادید فقط این بود که ما تصدیق شما را میکنیم بعد از آنکه در امری که ملاحظه شما در خطرات آینده بیش از ما باشد شما اینطور سست می‌گویید و این قسم جواب بگویید ما چه می‌توانستیم کرد . گفت معنی تصدیق اینست که شما رجوع بما می‌کردید و مامی گفتیم حق با شما است همین جواب روس بود.

موافق قراری که با روس داشتیم نمی‌توانست بعد از تصدیق ما تخلف کند و بر ما بود بر تصدیق خود اقدام دلیل بکنیم باز تکرار می‌کنم که شما از این جواب دیگر بما اظهاری نکردید . روس قشون خود را باتک دره جزو کلات ملک بلاسرف شما فرستاد هیچ نگفتید گذشته از اینها بشما یک مسئله را بگویم این عهدما ربطی به عهد سابق ندارد حالا کار در دست عملت است و فکر اینکه کار دولتی کار شخصی نیست ملت و دولت انگلیس بعد از آنکه به بینند دولت ایران بهیچ وجه عقید اظهاره دولت و ملت او نباشد توقع دارید چه بکنند از طرفی روس را راه دادید و از طرفی راه تجارت ما را ضعیف کردید؛ همه این اقدامات روس در باب عمل تجارت است و ما مکرر در باب

راه محمره باشما گفتگو کردیم از طرف ملت انگلیس باز کردن آن راه را از شما خواهش نمودیم و قبول کردید، اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی وعده صریح دادند و من به وزارت خارجه نوشتم و مخصوصاً از جانب دولت خود تشکر این وعده را کردم و مکرر یاد آوری نمودم ابدأ اقدام و اثری ظاهر نشد که گویا این وعده داده شده مع هذا از ملت انگلیس چه میتوان خواست بعد از آنکه به بیند از هیچ راه هیچ همراهی نمیشود هیچ نظره ندارند چه بکنند اگر اعلیحضرت اقدس شاهنشاه نمیخواهند از پول خزانه خرج این کار بکنند از رعیت و ملت ایران کمپانی منعقد فرمایند و منفعت هابیرند تجارت خودتان را بدست و اختیار دیگران ندهید، دولت اگر نمیخواهد پول بدهد و منفعت ببرد رعیت و تبعه خودتان نمیخواهند کمپانی منعقد کنند و فواید بزرگ ببرند از بدیدما کمپانی منعقد نمائیم بیایند پول خود را در مملکت شما برای شما خرج کنند و راههای شما را بسازند پیش از این بشما زحمت نمیدهم و در آخر حرفهای خود بشما برآستی میگویم که من دوست دولت ایران هستم نظره دارد تاملت مادرا نظرکریطه شما مقید باشد.

تا اینجامتن گزارش وزیر خارجه بود و در حاشیه صفحه آخر این گزارش ناصرالدین شاه بخط خود و با جوهر آبی چنین نوشته است :

ظلم السلطان - انگلیسیها را باید بطوری نگاه داشت که از دولت ایران خشنود باشند و برای مقاصد بزرگ ما بکار بخورند بواسطه نداشتن راه و کساد تجارت خودشان خیلی دلتنگ هستند بخصوص که روسها قدغن کرده اند از بنادر روس و خاک روس عبور مال التجاره آنها را بایران ندهند.

حالا اصراری در ساختن راه کاروان از محمره به طهران دارند و این فقره باعث آبادی محمره و بندر معتبر شدن آنجا است و همچنین عرض راه آباد و امن می شود و راه پیدامی شود که خودش يك منفعت ازلی است برای دولت و فی الحقیقه این کار - کار شما است. تجار و مردمان معتبر را جمع بکنید یکپا هم دولت شریک می شود خودتان شریک بشوید این کار را انشاء الله حقیقتاً با تمام برسانید یادگار خوبی از شما خواهد ماند در ایران لازم نیست راه عراده راهی باشد که شتر و کاروان بتواند عبور کند.

این را پورت گفتگوئی است که وزیر انگلیس با جناب وزیر خارجه کرده است عیناً برای شما فرستاده شده. شاه